

#### نگاه کارشناس

## اصطلاحاتی که در زمینه خشونت علیه زنان باید بدانیم

#### مینایوسفی

کارشناس توسعه‌بین‌المللی

موضوع اتهام تجاوز یک سلب‌ریتی به دختری جوان و نحوه واکنش بسیاری به این موضوع، نشانه‌ای از ناآگاهی جمعی نسبت به سازوکار خشونت جنسیتی و پویایی قدرت در چنین موقعیت‌هایی است. در این یادداشت، تلاش می‌کنم چند مفهوم کلیدی در حوزه خشونت علیه زنان را معرفی کنم؛ مفاهیمی که فهم درست آنها می‌تواند به ما کمک کند ماجراهایی شبیه به این موضوع را با دقت، انصاف و شناخت عمیق‌تری تحلیل کنیم. عبارت‌های انگلیسی را نیز ذکر می‌کنم، نه از سر تقلید از فرهنگ غرب، بلکه از آن‌رو که این مفاهیم زاده جوامعی هستند که دهه‌هاست با پژوهش، آموزش و جنبش‌های اجتماعی در زمینه پیشگیری از خشونت جنسیتی و حمایت از قربانیان، تجربه عمیقی اندوخته‌اند.

#### شکارچی یا سوءاستفاده‌گر جنسی (Predator)

شاید نخستین و مهم‌ترین مفهوم در بحث تجاوز، واژه «شکارچی» باشد. شکارچی به کسی گفته می‌شود که قربانی خود را آگاهانه انتخاب می‌کند، برای دستیابی به او برنامه‌ریزی دارد و در موقعیت مناسب دست به آزار یا تجاوز می‌زند. این مفهوم از آن‌رو اهمیت دارد که بر فرایند هدف‌گیری و کنترل قربانی تأکید دارد، نه صرفاً بر عمل فیزیکی خشونت. شکارچی معمولاً قربانی خود را براساس میزان آسیب‌پذیری یا نابرابری قدرت انتخاب می‌کند؛ فردی که توان دفاع ندارد، از نظر اجتماعی تنهاست یا در موقعیت نابرابر قرار دارد. این «قدرت» می‌تواند فیزیکی باشد، اما اغلب روانی، اجتماعی یا اقتصادی است. برای مثال، در محیط‌های کاری یا هنری، شکارچی ممکن است از موقعیت شغلی یا شهرت خود برای جلب اعتماد، اغواگری یا اعمال فشار استفاده کند. پژوهش‌های متعددی نشان داده‌اند که بسیاری از مرتکبان خشونت جنسی در ظاهر، افرادی محترم، اجتماعی و حتی محبوب هستند. مطالعه Grace و Tan (۲۰۰۸) نشان می‌دهد این افراد در ارزیابی‌ها و مصاحبه‌ها تمایل دارند خود را به‌صورت «خوش‌برخورد و اجتماعی» معرفی کنند؛ پدیده‌ای که در روان‌شناسی به آن Social Desirability می‌گویند؛ یعنی تمایل به خوب جلوه‌دادن در نگاه دیگران. این مهارت در ساختن چهره‌ای مثبت، به شکارچیان کمک می‌کند تا رفتار خود را پنهان کرده و اعتماد عمومی را حفظ کنند. با این توضیح، ابراز تعجب برخی چهره‌ها از اتهام تجاوز علیه فردی محبوب، نشان‌دهنده ناآگاهی از این واقعیت است که شکارچی معمولاً در برابر هم‌ترازان خود محتاط و حسابگر است و تنها در برابر افرادی که از نظر جایگاه، سن، جنسیت یا نفوذ اجتماعی ضعیف‌تر هستند، دست به عمل خشونت‌آمیز می‌زند.

#### ناهم‌ترازی قدرت (Power Imbalance)

مفهوم «شکارچی» به‌طور طبیعی ما را به موضوع ناهم‌ترازی قدرت می‌برد. اغلب روابطی که به آزار یا تجاوز منتهی می‌شوند، در بستری شکل می‌گیرند که در آن یکی از طرفین قدرت، نفوذ یا اختیار بیشتری دارد؛ مانند استاد و دانشجو، کارفرما و کارمند، کارگردان و بازیگر یا سلب‌ریتی و هوادار. در چنین موقعیتی، رضایت ظاهری قربانی نمی‌تواند به‌طور کامل معتبر تلقی شود؛ زیرا قدرت تصمیم‌گیری آزادانه از او سلب شده است. در جوامعی که این مسئله جدی گرفته می‌شود، قوانین مشخصی برای جلوگیری از سوءاستفاده از موقعیت قدرت تدوین شده است. برای مثال، در بسیاری از دانشگاه‌های آمریکا و اروپا، استاد اجازه برقراری رابطه عاطفی یا جنسی با دانشجوی خود را ندارد، حتی اگر هر دو طرف اعلام رضایت کنند. در پرونده‌ای در سال‌های اخیر، یکی از استادان دانشگاه‌های آمریکا به دلیل رابطه عاشقانه با دانشجویش از کار برکنار شد، هرچند دانشجو مدعی رضایت کامل بود؛ اما هیئت دانشگاه وجود ناهم‌ترازی قدرت را مانع از رضایت واقعی و آزادانه دانست. به بیان ساده، قدرت نابرابر، رضایت را بی‌اعتبار می‌کند. این نکته در بسیاری از پرونده‌های خشونت جنسی در حوزه‌های کاری، سینما و ورزش تکرار شده است؛ جایی که قربانی تحت نفوذ، تهدید یا وعده فرصت قرار گرفته و قادر به «نه گفتن» نبوده است.

#### مردسالاری (Patriarchy)

اثبات تجربه خشونت برای قربانی در هر شرایطی دشوار است، اما در جوامع مردسالار، این دشواری دوچندان می‌شود. مردسالاری نظامی است که قدرت، منابع و اعتبار اجتماعی را در دست مردان متمرکز می‌کند و نقش زنان را به حاشیه می‌برد. این نظام، از خانواده تا رسانه و از قانون تا فرهنگ عمومی، در لایه‌های گوناگون بازتولید می‌شود. به گفته Sylvia Walby (۱۹۹۰)، مردسالاری از طریق نهادهایی همچون آموزش، رسانه و نظام قضائی، الگوهای نابرابر قدرت را تثبیت می‌کند و از این طریق، بی‌اعتمادی نسبت به روایت زنان را به واکنش‌شی طبیعی و فرهنگی تبدیل می‌کند. در چنین ساختاری، وقتی زنی از آزار یا تجاوز سخن می‌گوید، جامعه ناخودآگاه به سمت دفاع از مرد متهم متمایل می‌شود؛ زیرا ذهنیت مردسالار، «بی‌گناهی مرد» را پیش‌فرض می‌گیرد و «رفتار زن» را زیر سؤال می‌برد. همان‌طور که bell hooks (۱۹۸۴) می‌گوید، مردسالاری با بازتعریف مداوم مفاهیم «مردانگی» و «قدرت»، به مردان اجازه می‌دهد تا خشونت را بخشی از اقتدار خود بدانند، درحالی‌که زنان را وادار می‌کند روایت‌های خود را با ترس و شرم پنهان کنند.

**سرزنش یا نپذیرفتن روایت قربانی (Victim-blaming/Victim-disbelief)**
پدیده سرزنش و نپذیرفتن روایت قربانی یکی از خطرناک‌ترین بازتاب‌های مردسالاری در فرهنگ عمومی است. در این سازوکار، به‌جای تمرکز بر رفتار مرتکب، جامعه تمایل دارد قربانی را مسئول خشونت تجربه‌شده بداند. این نگاه خود را در پرسش‌هایی مثل «چرا آنجا بودی؟»، «چرا لباسست آن‌طور بود؟» یا «مطمئن خودش نخواسته بود؟» نشان می‌دهد. حمایت بی‌چون‌وچرا از فرد متهم یا ابراز تعجب از امکان وقوع خشونت نیز بخشی از همین پدیده است. در بسیاری از جوامع مردسالار، تماشاگران و حتی نزدیکان قربانی، دانسته یا نادانسته، با ساختار قدرت همدستی می‌کنند و روایت قربانی را زیر سؤال می‌برند؛ چون چهره اجتماعی متهم با تصویر ذهنی آنها از «متجاوز» سازگار نیست. پژوهش‌های فمینیستی نشان داده‌اند که این سازوکار باعث سکوت، شرم و انزوا ی قربانیان می‌شود و در عین حال، کلیشه‌های جنسیتی و ساختار نابرابر قدرت را تقویت می‌کند. ماجرای اخیر، فارغ از صحت یا نادرستی اتهام، فرصتی است تا جامعه ما درباره مفاهیم بنیادین خشونت جنسی گفت‌وگو کند. شناخت واژه‌هایی مانند Victim-blaming و Predator. Power Imbalance، Patriarchy، داشتن نظری نیست؛ گامی برای بازنگری در پیش‌فرض‌های فرهنگی، روابط قدرت و مسئولیت اجتماعی ماست. تا زمانی که جامعه نتواند بین محبوبیت عمومی و رفتار پنهان در روابط خصوصی تمایز بگذارد، چرخه سکوت و بی‌اعتمادی نسبت به زنان ادامه خواهد داشت.

www.sharghdaily.com

#### پیگیری «شرق» از پرونده ناپدیدشدن دوزن در آبادان در فاصله کمتر از دو ماه و روایت خانواده‌هایشان

# هراس در پی مفقودی دوزن آبادانی

نیروی انتظامی آبادان می‌گوید که دادستانی باید درباره پیداشدن و مفقودی اطلاع‌رسانی کند.

از آن طرف دادستانی خوزستان تأکید می‌کند که موضوع جدیدی برای رسانه‌ای‌کردن وجود ندارد

در محله امیری شهر آبادان، خیابان امیرکبیر را که به سمت بلوار منتظری بروید، در نزدیکی بازار کویتی‌ها پارک شاپور را خواهید دید. پارکی نسبتاً قدیمی که از قدیم تا به امروز،

میزبان زیست شبانه مردم این خطه از جنوب کشور بوده است. اما این پارک در هفته‌های اخیر، آبستن حوادثی درخور توجه شد. از اول مهر تا پانزدهم آبان امسال، دو دختر با فاصله کمتر از یک ماه و به طرز مرموزی در این شهر و درست در محدوده این پارک کم شده‌اند. آن‌قدر عجیب که بسیاری از کاربران شبکه‌های اجتماعی، رسانه‌های رسمی و مردم محلی، سناریوی سریالی‌بودن

#### موایلل ستاره را تا حاشیه شهرداریابی کرده‌اند

«ستاره»، ۱۹ سال بیشتر ندارد و پس از گرفتن دیپلم تصمیم گرفت در کلاس‌های آنلاین کنکور شرکت کند. به‌همین دلیل دو ماهی می‌شد که در خانه و از طریق کلاس‌های آنلاین درس می‌خواند و برنامه‌اش این بود که برای سال آینده برای کنکور انسانی شرکت کند. پدرش نمی‌داند که قصد داشت چه رشته‌ای بخواند اما این را می‌داند که دخترش آرزوهای زیادی داشت. «سعید حیدری» پدر ستاره درباره شب حادثه به «شرق» می‌گوید: «دخترم و مادرش در پارک شاپور بودند. ستاره برای خرید نوشت‌افزار درسی‌اش راهی مغازه‌های اطراف می‌شود و از آن لحظه تا به امروز ما او را ندیده‌ایم». در همان روزهای نخست پس از اعلام مفقودی ستاره، ویدئویی از او در یک آرایشگاه منتشر شد که در حال انجام کراتین موی یک مشتری بود. این ویدئو البته خیلی زود از صفحه آن بلاگر آبادانی حذف شد اما بسیاری تصور کردند که شغل ستاره آرایشگری بوده است؛ موضوعی که از طرف پدرش تکذیب شد. او فعالیت شغلی دخترش را در هر آرایشگاهی رد کرد و گفت: «دخترم اصلاً شاغل نبود. دیپلمش را گرفته بود و برای مدتی شروع کرده بود به حضور در کلاس‌های آنلاین کنکور. می‌خواست اگر بشود برای سال آینده کنکور بدهد و به دانشگاه برود. ستاره برای مدت کوتاهی که حتی یک هفته هم ننشده بود، برای آموزش دوره‌های کراتین ثبت‌نام کرده بود. برای همین چند روز به آرایشگاه معروفی در شهر ما تردد داشت. به محض اینکه خبر کم‌شدن دخترم منتشر شد، برخی برای اینکه نام خودشان را مطرح کنند، تصویرش را در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند تا با دختر من فالوئر بگیرند».

پدر ستاره اگرچه هر روز پیگیری می‌کند اما هنوز خبری از دادستانی و نیروی انتظامی به دست نیاورده است: «به ما اطلاعی نداده‌اند. گفتند که موایلل ستاره را تا حاشیه شهر دریایی کرده‌اند اما بیش ازاین داده‌ای در اختیارشان نیست و از طرف دیگر، دوربین‌های اطراف پارک را بررسی کرده‌اند اما می‌گویند چیزی پیدا نشده است. ما هر لحظه منتظر خبری از دخترمان هستیم. راستش را بخواهید پس از اینکه در تهران آن حادثه برای آن دختر خاتم (الهه حسین‌نژاد) رخ داد، ترس ما هم بیشتر شد و خیلی نگرانیم».

سعید حیدری با اشاره به اوضاع نابسامان همسرش که تواناست با «شرق» گفت‌وگو کند، می‌گوید: «هنوز منتظر خبریم و اوضاع خوبی نداریم. همسرم به‌شدت پریشان است و پسر کوچک‌ترم نیز از وقتی خواهرش کم شده، خواب و خوراک ندارد. ما می‌خواهیم دخترمان به خانه‌اش برگردد».

او همچنین از مردم آبادان می‌خواهد در صورت داشتن اطلاعاتی از آن شب یا هر موضوعی مرتبط با پیداشدن دخترش، به پلیس مراجعه کنند: «کسیه اطراف پارک متأسفانه متوجه موضوعی که توجه رهگذاران را جلب کرده بود، نشدند. چون فاصله آن محل با مغازه‌شان زیاد است. پلیس هم تا به حال چیزی که مرتبط با اطلاعات رهگذاران محلی باشد، پیدا نکرده است. اما ما از افرادی که شاهد آن صحنه بودند، تقاضا داریم با مراجعه به پلیس دیده‌های خود را شرح دهند تا شاید سرنخی از ماجرا کشف شود و ما بتوانیم دخترمان را پیدا کنیم».

البته پدر ستاره پیش‌تر به یک ماجرای تعقیب و گریز نیز اشاره کرده بود که در گفت‌وگو با «شرق» نخواست آن را تکرار کند. او در مصاحبه‌ای دیگر گفته بود: «براساس تصاویر دوربین‌های مداربسته، دخترم در خیابان امیری بود که پسری جوان دنبالش افتاد. تصاویر خیلی واضح نیست، اما گویا دخترم متوجه آن پسر شده و کنار رفته تا او رد شود. پسر رد شده، اما در جای دیگری دوباره ایستاده است. خودرویی هم همان‌جا بوده که گویا همان لحظه حمله کرده و دخترم را سوار خودرو کرده‌اند. تصاویر دوربین‌های مداربسته وضوح کافی ندارند و هنوز نمی‌توان به‌طور قطعی تشخیص داد چه اتفاقی رخ داده است، اما برخی رهگذاران خیابان امیری در همان زمان برگشته‌اند و به صحنه نگاه کرده‌اند که می‌تواند به دلیل شنیدن صدایی شبیه جیغ یا فریاد باشد. احتمالاً چند نفر در این حادثه دخیل بوده باشند، زیرا درست در همان لحظه تلفن همراه دخترم خاموش شده است. شاید یک نفر راننده خودرو بوده و فرد دیگری بیرون از آن حضور داشته است. تمام این ماجرا در کمتر از دو دقیقه رخ داده است. ما هیچ دشمنی یا بدهکاری با کسی نداریم. دخترم چند قطعه طلا همراه داشت و شاید همین موضوع در انگیزه افراد دخیل بوده باشد؛ هرچند که اطلاعات دقیقی در دست نیست».

#### نیروی انتظامی: اعلام مفقودی و وظیفه ما نیست

پیگیری‌ها از نیروی انتظامی تا امروز به جایی نرسیده است. سروان «امیرسام کمایی»، مدیر روابط عمومی

نیروی انتظامی آبادان، در پاسخ به «شرق»، وظیفه اطلاع‌رسانی درباره این‌ماجرا را به‌طور تمام و کمال در اختیار دادستانی دانست و گفت: «فقدان و پیداشدن جزء موضوعاتی است که در حوزه کاری نیروی انتظامی دسته‌بندی نمی‌شود و در نتیجه نمی‌توانیم هیچ اطلاعاتی در این زمینه بدهیم. تنها نهادی که می‌تواند در این زمینه ابراز نظر کند و به رسانه‌ها اطلاعاتی بدهد، دادستانی است».

البته «شرق» در تماس با دادستانی هم نتوانست به داده جدیدی دست یابد. «باقری»، مسئول روابط عمومی و امور رسانه دادگستری خوزستان، دراین‌باره گفت: «فعلاً اطلاعات در همان سطحی است که در ابتدای پرونده رسانه‌ای شد و شخص دادستان هم درباره آن اعلام نظر کرد. پیش‌ازاین و در این مرحله موضوعی برای رسانه‌ای‌کردن وجود ندارد».

«روح‌الله زندی»، دادستان آبادان، پیش‌تر و تنها درمورد پرونده ستاره حیدری اعلام کرده بود: «ستاره حیدری، ۱۵ آبان برای خرید به مرکز شهر سفر کرد، اما پس از آن هر دو خط تلفن نام‌برده خاموش و تاکنون اطلاعی از آن یافت نشده است. باتوجه به نقطه‌زنی‌های انجام‌شده، رصد دوربین‌های مداربسته مشخص شده این فرد در حوالی یکی از مناطق این شهرستان مفقود شده است. به‌همین دلیل پرونده با دستور قضائی برای رسیدگی به آگاهی آبادان ارجاع داده شده است».

دادستان خوزستان همان موقع اعلام کرده بود که در صورت کشف هرگونه سرنخ جدید، اطلاع‌رسانی جدید نیز انجام خواهد شد: «پس از مراجعه خانواده مفقودشده به دادستانی، پرونده ویژه در شعبه دوم بازپرسی شهرستان تشکیل و دستورات قضائی به ضابطان و پلیس آگاهی برای اقدامات گسترده تخصصی و رصد تلفن و حساب‌های او صادر شده است. با بازبینی دوربین‌های محدود مدنظر و استعلام از ادارات و نهادهای انتظامی و درمانی تاکنون اطلاعی از مفقودشده یافت نشده است. پیگیری‌ها و نظارت‌های قانونی همچنان ادامه خواهد داشت و در صورت کشف هرگونه سرنخی اطلاع‌رسانی خواهد شد».

مشخص نیست که سرنخ جدیدی به دست نیامده یا به خاطر حساسیت پرونده، رسانه‌ها به این داده‌ها دسترسی ندارند. اگرچه روشن است که در فقدان شفافیت و اطلاع‌رسانی، احتمالاً زمینه خوبی برای شایعه و حواشی نیز ایجاد خواهد شد.

#### ۲ ماه بی خبری از مرضیه؛ دومین زن ناپدیدشده

با گذشت حدود دو ماه از کم‌شدن «مرضیه البوغبیش»، زن نیز، هیچ خبر جدیدی از این زن به دست نیامده است. زن ۴۰ساله در یک مزون عروس خان می‌کرد و حوالی ساعت ۹ شب در حال بازگشت به خانه بود که مفقود شد؛ کجا این اتفاق افتاد؟ باز هم در نزدیکی پارک شاپور و از آن روز تا به حال، هیچ خبری به خانواده او نرسیده است. این را برادرش می‌گوید که همه این دو ماه را به دنبالش گشته است: «همه جا سر زدم، شکایتی هم در همین راستا در آگاهی ثبت کردیم، اما فقط به ما گفتند منتظر بمانید و اعلام کردند که فیلم دوربین‌های مداربسته بررسی شده است، اما هیچ ردی از مرضیه به دست نیامده است. ما اصلاً نمی‌دانیم چه بلایی سر خواهرم آمده؛ آیا ربوده شده؟ هیچ نمی‌دانیم». او ادامه می‌دهد: «آن شب مادرم وقتی دیدم مرضیه به خانه نیامد، نگران شد و با موایللش تماس گرفت اما گوشی مرضیه در ساعات اولیه از دسترس خارج و سپس در ساعت یک بامداد خاموش شد. مگر می‌شود مأموران در این مدت هیچ سرنخی به دست نیاورده باشند؟

برادر مرضیه همچنین می‌گوید: «به ما گفته‌اند شاید خوارهران خواستگار داشته یا شاید با پسری فرار کرده است. ما مرضیه را می‌شناخیم. نه پای خواستگار سمج در میان بود، نه با پسری ارتباط داشت. اگر هر مورد مشکوکی بود، ما سریع به پلیس اعلام می‌کردیم، اما وقتی چیزی نبود، ما نمی‌توانیم به دروغ بگوییم که بوده. فکر می‌کنند اگر دختری کم می‌شود، حتما دوست پسری داشته که رفته؛ درحالی‌که خواهرم مدارک شناسایی خود را خانه گذاشته است. چون آن روز طبق روال هر روز سر کار رفته، اما در همان محدوده پارک شاپور ناپدید شده است».

#### هراس در شهر، به دلیل نبود شفافیت

«پونه پیلرام»، فعال حوزه زنان در استان خوزستان است و می‌گوید مردم نیاز دارند در شرایط این‌چنینی با اطلاعات شفاف روبه‌رو شوند تا احساس امنیت بیشتری کنند، آن‌هم درحالی‌که برخی می‌گویند ترس ناشی از این دو خبر بیایی منجر به ایجاد هراس در شهر آبادان و به‌ویژه برای زنان شده است: «مردم وقتی هیچ اطلاعی از اتفاقی که رخ داده، نداشته باشند و نتوانند با منطق خود با حوادث روبه‌رو شوند، احساس ترس می‌کنند و این طبیعی است. در مقابل، هرچه نهادهای رسمی و رسانه‌های رسمی بیشتر تلاش کنند تا به مردم اطلاعات و شفاف و رسمی بدهند، هم احساس امنیت بیشتر می‌شود و هم اینکه شایعات قدرت بروز پیدا نمی‌کنند». او با اشاره به مفقودشدن بیایی زنان در دو ماه اخیر، می‌گوید: «حوادثی مانند کم‌شدن افراد، آن‌هم به صورت تکراری در یک مکان مشترک، سناریوهای رایج را در ذهن مردم روشن می‌کند. در نتیجه، طبیعی است که سراغ قصه‌ساختن بروند. هرکسی چیزی می‌داند و همه چیز را هم نمی‌داند. متأسفانه وقتی ماجرا به زنان هم گره می‌خورد، این شایعه‌پراکنی‌ها بیشتر می‌شوند. ما هم نیازمند اطلاع‌رسانی دقیق نهادهای رسمی هستیم و هم نیاز داریم نهادهای مدنی را فعال کنیم. در چنین مواقعی، نهادهای مدنی می‌توانند بازوی ارگان‌های رسمی شوند و به مردم آموزش دهند که در شرایط بحرانی چه باید کرد و هم اینکه از آنها حمایت‌های معنوی انجام دهند».

پیلرام که در این دو ماه و با همکاری سایر فعالان مدنی تلاش زیادی کرده تا خبری از این‌پرونده‌های مفقودی پیدا کند، تأکید می‌کند: «ما تماس‌های زیادی با مراکز نگهداری رسمی از زنان آسیب‌دیده داشتیم تا شاید سرنخی از آنجا پیدا کنیم. اما متأسفانه هیچ‌کدام از آنها ازجمله ۱۱۳ که مرکز فوریت‌های خدمات اجتماعی است، هم هیچ اطلاعی دراین‌باره نداشتند».

این پرونده نام مفقودی دیگری را هم شنیع که البته نتوانست تأیید رسمی آن را دریافت کند. اما شنیده‌های مردم و برخی از نوشته‌ها در شبکه‌های اجتماعی از کم‌شدن یک دختر دیگر با نام اختصاری «ف-ر» در شهر خرمشهر نیز خبر داده‌اند.

#### خبر روز

#### مرگ ۲۷۴ نفر با گاز منوکسیدکربن

پزشکی قانونی کشور اعلام کرد در شش‌ماهه اول امسال، ۲۷۴ نفر بر اثر مسمومیت با گاز منوکسیدکربن در کشور جان خود را از دست دادند که از این تعداد، ۱۹۵ نفر مرد و ۷۹ نفر زن بودند. افزایش ۱۶۶درصدی فوتی‌های گازگرفتگی در نیمه اول سال جاری، در حالی است که عمده مرگ‌های ناشی از مسمومیت با گاز منوکسیدکربن در نیمه دوم سال و عمدتاً از ماه آذر به بعد که در اغلب نقاط کشور شاهد سرترشدن هوا و افزایش استفاده از وسایل گرمایشی هستیم، رخ می‌دهد. براساس آمارهای سال گذشته (۱۴۰۳)، از کل قربانیان ۸۵۷نفره مسمومیت با گاز، ۴۹۷ نفر تنها در چهار ماه پایانی سال جان باخته‌اند که ۵۸ درصد از فوتی‌های یک سال را در بر می‌گیرد. در این سال بیشترین فوتی‌ها در ماه بهمن با ۱۳۶ فوتی ثبت شده است. این روند در آمار فوتی‌های مسمومیت با گاز سال‌های دیگر نیز تکرار شده و همواره با رشد درخور توجه فوتی‌ها در نیمه دوم هر سال مواجه بوده‌ایم. براساس آمارهای چهار سال اخیر، در سال ۱۴۰۰ از ۸۳۹ مرگ ثبت‌شده بر اثر گازگرفتگی، ۶۵۶ مورد (۷۸ درصد) مربوط به نیمه دوم سال است. در سال ۱۴۰۱ نیز ۶۸۹ مورد (۷۵.۵ درصد) از ۹۱۳ مرگ بر اثر مسمومیت با گاز، مربوط به نیمه دوم سال بوده است. همچنین آمار قربانیان مسمومیت با گاز در نیمه دوم سال‌های ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ به ترتیب ۵۲۰ نفر از ۷۹۶ مورد مرگ (۶۵.۳ درصد) و ۶۲۲ نفر از ۸۵۷ فوتی (۷۲.۶ درصد) مسمومیت با گاز در کل سال بوده است.
اُختری، رئیس مرکز کنترل کیفی آزمایشگاه‌های سازمان پزشکی قانونی کشور، درخصوص راه‌های پیشگیری از مسمومیت با گاز منوکسیدکربن می‌گوید: «بهترین راهکار برای پیشگیری از بروز مسمومیت با این گاز، وجود جریان کافی در محیط است. اگر در محیطی از وسیله گرمایشی استفاده می‌کنیم، حتما باید جریان هوای کافی در آن فضا وجود داشته باشد». او افزود: «جریان هوای کافی علاوه بر اینکه باعث خارج‌کردن گازهای سمی از محیط می‌شود، به احتراق کامل سوخت‌های فسیلی نیز کمک می‌کند. روشن‌کردن گاز با یک‌لیکی و منقل در وسایل نقلیه سنگین یا در ساختمان‌های نیمه‌کاره و استفاده از بخاری‌های بدون دودکش که فاقد سنسور حساس به گاز منوکسیدکربن هستند، به‌ویژه در فضاهای کوچک که فاقد تهویه مناسب‌اند، ازجمله مواردی است که می‌تواند منجر به بروز مسمومیت با این گاز کشنده شود».
اُختری افزود: «در صورت استفاده از وسایل گرمایشی مانند بخاری و شومینه، نباید تمام روزه‌های جریان هوا در منزل و به‌ویژه اتاق خواب مسدود شود. همچنین از نصب آب‌گرمکن در حمام و روشن‌کردن شعله‌های اجاق گاز در آشپزخانه برای گرم نگه‌داشتن محیط داخل خانه جدا خودداری شود».

#### صندوقی برای مراقبت از سالمندان بدون فرزند

ایسنا: رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور گفت: «جلساتی با بیمه سلامت برگزار کرده‌ام تا صندوق مراقبت طولانی‌مدت در کشور ایجاد شود. هدف این است که افرادی که فرزند ندارند یا قادر به تأمین مراقبت‌های خود نیستند، به یک مراقب امن دسترسی پیدا کنند».
مرگان رضازاده ادامه داد: «نظام مراقبت سالمندی یک بازارسازی در اقتصاد نقره‌ای است. متأسفانه در کشور برای مراقبان رسمی قانون مشخصی نداریم و بسیاری از افرادی که در این حوزه فعالیت می‌کنند یا اتباع غیررسمی هستند یا افرادی که مشکلات خانوادگی دارند. علاوه‌براین آموزش‌های موجود در دانشگاه‌ها به‌طور عمده بر مراقبت جسمی متمرکز است، درحالی‌که ما نیاز به آموزش‌های جامع‌تری داریم که شامل مراقبت روانی، ارتباط اجتماعی و افزایش امید به زندگی باشند».
رئیس دبیرخانه شورای ملی سالمندان کشور درباره ایجاد صندوق مراقبت طولانی‌مدت در ایران توضیح داد و گفت: «جلساتی با بیمه سلامت برگزار کرده‌ام تا صندوق مراقبت طولانی‌مدت در کشور ایجاد شود. هدف این است که امن دسترسی پیدا کنند».
براساس اعلام او، تسهیلگران در قالب گروه‌های ۱۰ نفره، آموزش‌های خودمراقبتی و سبک زندگی سالم را به سالمندان ارائه می‌دهند. این گروه‌ها همچنین توانسته‌اند بیماری‌های سالمندان را شناسایی کنند.